

بررسی و نقد روش آموزش زبان عربی به شیوه مستقیم (بررسی موردی: کتاب‌های دکتر حسین خراسانی)

خلیل پروینی*

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

دریافت: ۸۸/۱۰/۲۳

پذیرش: ۸۹/۳/۲۴

چکیده

این مقاله قصد دارد با برگشت به اواخر دههٔ چهل خورشیدی، شیوه‌های رایج آموزش زبان عربی در مراکز علمی، آموزشی و دانشگاهی آن زمان را بررسی کند و جایگاه طلایه‌داران آموزش زبان عربی به شیوهٔ نوین را شناسایی کند و از این رهگذر به‌طور ویژه به نقد و بررسی شیوهٔ آموزش زبان عربی دکتر حسین خراسانی در دهه ۴۰ خورشیدی بپردازد که به‌نوبه خود در آن زمان روش ابتکاری و بی‌نظیر در ایران بوده است. نامبرده با تألیف یک کتاب سه‌جلدی، سه جلد کتاب با نام **روش مستقیم (Direct Methode) آموزش زبان و ادبیات عربی**، توانست طرحی نو و جامع و شامل در آموزش زبان عربی به فارسی‌زبانان، دراندازد. مؤلف مرحوم، با الهام از الگوهای رایج در آموزش زبان به شیوهٔ مستقیم، قصد داشت تمام مهارت‌های چهارگانهٔ زبان عربی را به انواع مخاطبان ایرانی و متناسب با فرهنگ و سابقهٔ آشنایی ایرانیان با زبان عربی، در یک زمان‌بندی معلوم (۶۰ جلسه) یاد دهد؛ امری که دربارهٔ آموزش زبان عربی در زمان تألیف کتاب، سابقه نداشته است. اما متأسفانه کتاب‌های یادشده ناشناخته مانده و جایگاه آن در فرایند آموزش زبان عربی در ایران مورد معرفی، بررسی و نقد واقع نشده است. این مقاله قصد دارد با معرفی همه‌جانبهٔ این مجموعه، به نقد و بررسی آن بپردازد و در کنار محاسن آن، برخی کمبودهای آن را بیان و بررسی کند.

واژه‌های کلیدی: آموزش زبان عربی، ایران، روش مستقیم، روش نوین و حسین خراسانی.

۱. مقدمه

موضوع آموزش زبان‌های خارجی روزبه‌روز اهمیت بیشتری می‌یابد و بخش قابل‌توجهی از امکانات آموزشی، اعم از انسانی و غیرانسانی را در همه سطوح آموزش رسمی و غیررسمی، از آن خود می‌کنند؛ لذا در چند دهه اخیر برنامه‌ریزان زبان‌های خارجی، برای رسیدن به شیوه‌های نوین علمی در آموزش زبان، می‌کوشیدند تا از یافته‌های دانش‌های مختلف، به‌ویژه زبان‌شناسی، روان‌شناسی و تعلیم و تربیت بهره‌گیرند.

از آنجا که زبان، پدیده‌ای بسیار پیچیده است، برای آموزش آن، به‌ویژه آموزش آن به غیراهل زبان سخن‌گفتن از یک روش واحد بسیار دشوار است؛ بنابراین استفاده از چند نظریه و چند روش اصولی و نظام‌مند در پیشبرد آموزش زبان، کارساز و مفید است.

آموزش و یادگیری زبان عربی به‌عنوان یک زبان خارجی برای ما ایرانیان، بنا به دلایل دینی، ملی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و غیره در طول تاریخ مهم بوده است، اما همین روش همواره با بی‌روشی یا روش‌های نادرست همراه بوده است. بر این اساس در یادگیری زبان عربی به‌عنوان یک زبان دوم و غیرمادری، رعایت اصول و روش‌های آموزش زبان‌های خارجی لازم است تا زبان‌آموز بتواند براساس نیازهای زمان در هر چهار مهارت زبانی توانمند گردد. بنابراین با توجه به مشکلات گوناگونی که در زمینه آموزش زبان عربی در چند دهه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در مراکز علمی، دینی و دانشگاهی ایران وجود داشت، پیشگامانی پیدا شدند تا از سر دردمندی و با حسن‌نیت و با کوشش شبانه‌روزی گرهی از کار فروبسته زبان عربی در ایران باز کنند. دکتر حسین خراسانی (متوفای ۱۳۷۲ ه.ش) کار آموزش زبان عربی به شیوه نوین را از سال ۱۳۳۰ در دانشگاه تهران آغاز کرد و با تألیف کتابی سه جلدی به نام *آموزش مستقیم زبان وادبیات عرب با روش نوین* به‌عنوان نخستین پیشگام در عرصه آموزش زبان عربی به‌شمار می‌رود، اینک که در گروه‌های عربی و مراکز رسمی و غیررسمی ایران، نیاز شدیدی به یادگیری همه‌جانبه و روشمند زبان عربی احساس می‌شود و گام‌های عملی خوبی برای تألیف کتاب‌های آموزشی و ایجاد دوره‌های زبان‌آموزی و حتی تأسیس رشته آموزش زبان عربی برداشته شده است، شناختن، شناساندن، بررسی و نقد کوشش طلایه‌داران آموزش زبان عربی، به شیوه نوین ضروری است؛ زیرا اولاً نه تنها در ایران برای طلایه‌داران آموزش زبان عربی به شیوه نوین کاری انجام نشده و بلکه متأسفانه بسیاری از

استادان و فارغ‌التحصیلان از تلاش پیشگامانی چون دکتر حسین خراسانی، بی‌اطلاعت؛ ثانیاً بدون تکیه بر کارهای انجام‌شده در گذشته، برنامه‌ریزی برای حال و آینده، کاری بیهوده و بی‌پایه خواهد بود. این مقاله ضمن معرفی، بررسی و بیان ویژگی‌های روش آموزش زبان عربی دکتر حسین خراسانی، با پاسخگویی به پرسش‌های زیر، به نقد آن می‌پردازد:

۱. مهم‌ترین شاخصه‌ها و ویژگی‌های روش آموزش زبان عربی دکتر خراسانی چه بوده است؟
۲. روش یادشده، با کدامیک از تئوری‌های آموزش زبان دوم، منطبق است؟ و به چه میزان؟

۳. مهارت‌های چهارگانه آموزش زبان، در روش دکتر خراسانی چه جایگاهی دارد؟
اما قبل از پرداختن به موضوع اصلی و پاسخگویی به پرسش‌های بالا، لازم است نیم‌نگاهی به وضعیت زبان عربی و آموزش آن در ایران، به‌ویژه در چند دهه پیش از انقلاب اسلامی، بیاندازیم، تا چرایی، چیستی و چگونگی روش نوین دکتر حسین خراسانی به خوبی آشکار شود.

۲. سابقه زبان عربی در ایران

ایرانیان، با زبان عربی آشنایی دیرینه دارند و خواندن، تعلیم، تعلّم و تألیف به زبان عربی در مراکز آموزشی و علمی ایران، امر نوپایی نیست. ایرانیان از نخستین روزهای طلوع اسلام در سرزمینشان به آموزش زبان عربی همت گذاشتند؛ به‌طوری‌که انتشار این زبان در ایران با انتشار اسلام همراه شد. ایرانیان در همه زمینه‌ها و علوم و فنون مانند صرف، نحو، بلاغت، ادبیات، فقه، تفسیر و دیگر دانش‌های رایج در آن زمان ید طولایی داشتند؛ به‌طوری‌که با مطالعه کتاب‌های فراوانی در علوم او فنون مختلف، به زبان عربی که در کتابخانه‌های سراسر دنیا وجود دارد، متوجه خواهیم شد که نقش و سهم نویسندگان و دانشمندان ایرانی از سایر ملت‌ها حتی گاه از خود عرب‌ها بیشتر است.

آموزش زبان عربی در ایران به دلایل مختلف فرهنگی، سیاسی، دینی و غیره، همواره با فرازونشیب‌های فراوانی روبه‌رو بوده است.

اما با وجود فرازونشیب‌های فراوان، زبان عربی در مدارس دینی ایران همچنان جایگاه خود را حفظ کرد و رفته‌رفته در حد همان مدارس و مساجد محصور شد و رابطه‌اش را با جهان خارج قطع کرد؛ زیرا آن مراکز به هدف توانمندکردن دانش‌آموزان در مهارت‌های

مختلف زبان عربی فعالیت نمی‌کردند و به این زبان عربی به‌عنوان یک وسیله بیان افکار و عواطف نمی‌پرداختند، بلکه هدف از آموزش آن در این مراکز، فهم متون دینی و فلسفی نگاشته شده به‌وسیله علمای دین و فلسفه بود. این نوع مراکز، شیوه سنتی و ایستای خود را تا عصر نهضت جدید حفظ کردند؛ عصری که زبان عربی به‌عنوان یک زبان زنده در آن مطرح شد و با کشورهای جهان از جمله ایران، ارتباط برقرار کرد^(۱).

۳. آموزش زبان عربی در ایران (پیش از انقلاب اسلامی)

۳-۱. در حوزه‌های علمیه

آموزش زبان عربی در ایران، بیش‌تر در مراکز علمی علمی و دینی انجام می‌شد. این حوزه‌ها در چهار شهر بزرگ ایران (قم، مشهد، تهران و اصفهان) قرار داشتند و هدف آن‌ها از آموختن زبان عربی، توانایی در مطالعه، نقد و بررسی کتاب‌های فقهی، اصولی، تفسیری، فلسفی و کلامی بود.

نحوه آموزش زبان عربی در آن مراکز به این صورت بود که طلب علم دینی ابتدا چند کتاب در علم صرف مانند *شرح‌الامثله*، *صرف میر و کتاب التصریف* را می‌آموختند، سپس به آموختن کتاب‌هایی در نحو مانند *الهدایة فی النحو*، *الصمدیة*، *العوامل* و *البهجة المرضیه* می‌پرداختند و در آخرین گام از مرحله مقدماتی، چندین کتاب در بلاغت عربی مانند *مختصر المعانی* تألیف سعدالدین تفتازانی و گاه «*المطول*» را می‌آموختند. پس از پایان این دوره، به مطالعه و آموختن کتاب‌های مربوط به علم منطق، فقه و اصول می‌پرداختند و در آخرین مرحله، که معروف به «بحث خارج» است، به‌صورت تخصصی، به بررسی موضوعات خاص فقهی و اصولی و نقد و بررسی آرا و دیدگاه‌های علما و محققین، همت می‌گماشتند. اما روش آموزش زبان عربی در حوزه‌های علمیه آن دوره، این‌گونه بود که چندین طلبه، گرد یک استاد حلقه می‌زدند و استاد با خواندن متن عربی و ترجمه و شرح آن به فارسی، به آموزش عربی می‌پرداخت و طلب پس از آموختن درس با تشکیل حلقه‌های درس چند نفری به مباحثه می‌پرداختند. این روش در نوع خود، شیوه آموزشی خوب و مفیدی بود، زیرا در این شیوه، فراگیران با صرف وقت فراوان، به تکرار درس واحد می‌پرداختند. آن‌ها اعتقاد داشتند که «الدرس واحد و التکرار الف». شکی نیست که در این شیوه، مطلب علمی در اعماق ذهن و ضمیر طلبه رسوخ می‌کرد.

آنچه در این شیوه، مشهود و مشهور بود، خواندن متون عربی به لهجه فارسی بود و هیچ خبری از تکلم به زبان عربی وجود نداشت و اگر هم گاهی بعضی از طلبه‌ها، قادر به نوشتن به عربی بودند، با تمرین و تکرار زیاد بر روی متونی که می‌خواندند می‌توانستند به همان روش سنتی و با همان اصطلاحات قدیم متونی را بنویسند که جز خود آن‌ها، کسی قادر به فهم دقیق آن‌ها نبود؛ زیرا به عربی زنده و معاصر نوشته نمی‌شد. بنابراین زبان عربی در حد قرائت و فهم متون قدیم فقهی، حدیثی، تفسیری و فلسفی خلاصه می‌شد و از زبانی زنده و پویا نبود.^(۲)

۲-۳. آموزش زبان عربی در مدارس و دبیرستان‌ها

پیش از انقلاب اسلامی، آموزش زبان عربی تنها در دوره دبیرستان، آن هم در رشته‌های ادبی، انجام می‌شد و آموزش آن در یاد دادن برخی قواعد خشک صرفی و نحوی خلاصه می‌شد که هیچ ربطی به نیازمندی‌های روز و اطلاعات مربوط به جنبه‌های مختلف زندگی نداشت؛ در نتیجه دانش‌آموز، قواعد آموزش داده شده را، به سرعت فراموش می‌کرد. هرچه به انقلاب اسلامی نزدیک‌تر می‌شدیم، آموزش زبان عربی در مدارس، به دلیل مسائل سیاسی کم‌رنگ‌تر می‌شد، آنچه پیش از انقلاب به نام زبان عربی در مدارس کشور آموزش داده می‌شد، با اسلوبی نادرست و محدود به قواعد صرف و نحو بوده است (همان).

۳-۳. آموزش زبان عربی در دانشگاه‌ها (پیش از انقلاب اسلامی)

زبان عربی در دانشگاه‌های پیش از انقلاب اسلامی در سه حوزه، آموزش داده می‌شد:

۱-۳-۳. آموزش زبان و فرهنگ عربی

که بعدها به رشته زبان و ادبیات عربی تبدیل شد. این رشته در دهه‌های سی و چهل قرن بیستم میلادی در دانش‌سرای عالی (دانشگاه تربیت معلم کنونی) و دانشگاه تهران تأسیس شد و دانشگاه‌های اصفهان و مشهد نیز در دهه هفتاد قرن بیستم، این رشته را دایر کردند. معمولاً در همه این مراکز عموماً آموزش زبان عربی به شیوه سنتی و با تکیه بر قواعد صرف و نحو صورت می‌گرفت؛ البته استثناهایی هم در این زمینه وجود داشت که در صفحات آینده

آن‌ها را بررسی خواهیم کرد.

۲-۳-۳. آموزش زبان عربی در رشته زبان و ادبیات فارسی

دانشجویان این رشته زبان و ادبیات فارسی، زبان عربی را به قصد فهم هرچه بیشتر و بهتر متون کلاسیک شعری و نثری فارسی یاد می‌گرفتند؛ بنابراین طبیعی بود که هدف، وسیله را توجیه کند. نگاه آنان به آموزش زبان عربی، فراتر از هدفشان نمی‌رفت؛ یعنی آموزش قواعد عربی و قرائت و ترجمه برخی متون شعر و نثر عربی، تنها هدف آنان بود^(۳)

۳-۳-۳. آموزش زبان عربی در رشته‌های الهیات و علوم قرآن

در رشته‌های الهیات و علوم قرآن نیز آموزش زبان عربی با تکیه بر صرف و نحو و با هدف توانایی قرائت و فهم متون دینی و علوم اسلامی و تسلط بر منقول و معقول، صورت می‌گرفت و آموزش مهارت‌های چهارگانه زبانی، آموزش کاربردی صرف و نحو و آموزش علمی و درست ترجمه متون انجام نمی‌شد.

این روش‌های غلط سبب بدبینی ایرانیان نسبت به عربی و یادگیری آن شده بود و این باور را در ذهن آنان ایجاد کرده بود که زبان عربی معاصر برای غیرعرب زبانان، قابل درک و یادگیری نیست و آن را مانند زبان لاتین، یک زبان مرده به‌شمار می‌آوردند؛ لذا پیشگامانی پیدا شدند تا زبان عربی را به شیوه نوین به ایرانیان یاد دهند تا علاوه بر ازبین بردن بدبینی عامه مردم نسبت به زبان عربی آن را به‌عنوان یک زبان زنده و پویا معرفی کنند. در سطرهای زیر معروف‌ترین پیشگامان تدریس عربی به شیوه جدید را معرفی می‌کنیم:

۴-۳. آموزش زبان عربی به شیوه جدید در «دارالعلوم العربیه»

پیش از انقلاب اسلامی تنها مرکز و آموزشگاه خصوصی که به آموزش زبان عربی می‌پرداخت، «دارالعلوم العربیه» بود که در سال ۱۳۲۶ شمسی مصادف با ۱۹۴۷ میلادی به‌وسیله آیه‌الله شیخ احمد نجفی تأسیس شد و با پیگیری‌های فرزندان دانشمندان، جناب آقای دکتر سعید نجفی اسداللهی، فعالیت آن تاکنون ادامه پیدا کرده است. این مؤسسه، سه جلد کتاب با نام

الطريقة الجديدة من دروس دارالعلوم العربیة چاپ کرده است که در طول سالیان دراز بسیاری از مشتاقان زبان عربی برای رسیدن به مهارت‌های خواندن، نوشتن و صحبت‌کردن، از آن استفاده می‌کنند. مؤلف محترم در مقدمه جلد اول کتاب، ضمن بیان اهمیت زبان عربی برای ایرانیان و اهداف آموزش آن، تلاش کرده است آموزش زبان عربی را متناسب با تمام اهداف یاد شده، استوار سازد؛ لذا، ضمن انتقاد از شیوه‌های معمول در آموزش زبان عربی آن زمان، روش‌های ابتکاری خود را بیان می‌کند و می‌گوید:

«اما اسلوب و روشی که در کتاب‌های دروس دارالعلوم العربیة به‌کار برده شده، به‌کلی ابتکاری است و با هیچ‌یک از اسالیب و روش‌هایی که تاکنون در کتاب‌های قدیم و جدید معمول بوده، شباهت ندارد و نیز تنها زائیده فکر، تصور و خیال نیست، بلکه پس از مطالعات دقیق و آزمایش‌های عملی و مکرر در ظرف چندین سال با درنظرگرفتن آخرین روش‌های علمی آموختن زبان‌های خارجی و تحولاتی که در آن به وجود آمده است، نگاشته شده است» (نجفی: ۷).

مؤلف کتاب‌های *دارالعلوم العربیة* معتقد است که آموختن زبان عربی برای فارسی‌زبانان، برخلاف زبان‌های دیگر، بسیار آسان است و با استفاده از روش‌های درست می‌تواند در مکالمه، قرائت، ترجمه و قواعد این زبان موفق شود. روش‌های درست در نظر ایشان، روش علمی و عملی، همراه باهم است. در این روش‌ها، فراگیران زبان عربی، ضمن انجام همه تمرین‌های شفاهی و کتبی برای قرائت، مکالمه، ترجمه، انشاء و املاء و به‌کار بستن واژگان و اصطلاحات پرکاربرد و امروزی عربی، توانمندی خوبی در آموختن زبان عربی کسب می‌کنند (همان: ۷ و ۸). شکی نیست که این کتاب‌های و روش‌های معمول در آن‌ها، نسبت به کتاب‌ها و روش‌های قدیم، امتیازاتی دارند و توانسته‌اند در آشناکردن فراگیران با جنبه‌های مختلف مهارت‌های زبان عربی به موفقیت‌هایی برسند. از آنجا که ایستایی و جمود در عرصه علم و تعلیم و تحقیق در همه دوران‌ها ناپسند، مؤلف این مجموعه نیز، در چاپ چهارم (۱۳۴۹ ه.ش) در اسلوب خود تغییرات اساسی داده است. هرچند این اسلوب در نوع خود و در زمان خود موفق بوده‌اند، در عصر کنونی از نظر محتوا، اسلوب، انواع مهارت‌ها و تئوری‌های رایج در آموزش زبان، نقص‌هایی نیز دارند که انتظار می‌رود مؤلف، با بهره‌گیری از نیروهای متخصص و آموزشی و با بهره‌گیری از دستاوردهای زبان‌شناسی، در به‌روزرسانی آموزش زبان عربی،

همچنان نقش آفرین بماند.

از جمله پیشگامان آموزش زبان عربی به شیوه نوین در دهه سی خورشیدی (تقریباً همزمان با مرحوم نجفی، مؤسس دارالعلوم العربیه) دکتر حسین خراسانی است. وی روش آموزش خود را «روش مستقیم» نامید که در آن زمان شیوه رایج در آموزش زبان‌های خارجی در دنیا بوده است. پیش از بررسی و نقد کتاب‌های نامبرده، نیم‌نگاهی به مهم‌ترین روش‌های آموزش زبان‌های خارجی می‌اندازیم تا مشخص شود که روش به‌کار رفته در کتاب‌های دکتر خراسانی، براساس کدامیک از تئوری‌های آموزش زبان‌های خارجی بوده است.

۴. نگاهی گذرا به مهم‌ترین روش‌های آموزش زبان‌های خارجی

۴-۱. روش دستور و ترجمه

مفهوم واقعی روش آموزش زبان‌ها، زمانی معلوم شد که برای آموزش زبان‌های خارجی به‌طور برجسته‌ای، افزایش یافت. روش دستور و ترجمه، یکی از قدیم‌ترین روش‌های آموزش زبان است که در سراسر قرن ۱۸ و بخشی از قرن ۱۹ در اکثر محافل زبان‌آموزی استفاده می‌شد (تئووان الس و همکاران، ۱۳۶۲: ۲۹۲).

این روش که از آن به روش سنتی یاد می‌شود، در بعضی محافل هنوز هم کاربرد دارد. روش دستور و ترجمه، زائیده نظریه‌پردازان مشخصی نیست و فرد خاصی آن را به‌وجود نیاورده و تدوین نکرده است، بلکه این اصول را می‌توان به شکل کاربردی در دستور زبان‌ها پیدا کرد.

طبق این روش، مهم‌ترین مسئله در زبان، قواعد یا گرامر و ترجمه است که زبان‌آموزان قواعد زبان جدید را از کل‌به‌جز (روش قیاسی) یاد می‌گیرند. در این روش متداول‌ترین تمرین‌ها مربوط به ترجمه از زبان اول به زبان دوم و برعکس می‌باشد. گاهی اوقات تأکید و تکیه بر قواعد در این روش چنان شدید است که گمان می‌رود باید قواعد را به خاطر خود قواعد یاد گرفت^(۴).

این روش ده‌ها سال در بیشتر گروه‌های عربی و رشته‌های مرتبط با عربی رایج بوده است^(۵).

لازم به یادآوری است روش آموزش گرامر از کل‌به‌جز (روش قیاسی) یعنی راه آموختن

قواعد دستوری و الگوهای صرفی فرمول‌بندی شده و در قالب فهرست‌های دوزبانه که به راحتی قابل حفظ باشد. این روش امروزه هم مورد تأیید قرار می‌گیرد، اما به علت داشتن نقص‌هایی در پرداختن به همه مهارت‌های زبانی، رد می‌شود.

۲-۴. روش مستقیم

این روش از اوایل قرن بیستم مورد استفاده قرار گرفت و در دهه‌های پنجاه و شصت، گوی سبقت را از سایر روش‌ها برد. (تئووان الس وهمکاران، ۱۳۶۲: ۲۹۲). این روش یک روش منفرد به حساب نمی‌آید، بلکه بیشتر مجموعه‌ای از روش‌ها (متدها) و تکنیک‌ها است که تفاوت بنیادی میان روش‌های گوناگون آن وجود ندارد (همان: ۲۹۷).

اساساً شکل‌گیری روش مستقیم، واکنشی در برابر روش دستور و ترجمه بوده است. معمولاً در روش مستقیم بر مهارت‌های شفاهی بسیار تأکید می‌شود. یکی از ویژگی‌های این روش این است که در جایی که گفته‌های زبان دوم مستقیماً به اشیاء و اعمال مشخص مربوط می‌شوند، استفاده از زبان اول به وسیلهٔ معلمان و یا زبان‌آموزان یک انحراف تلقی می‌شود؛ لذا باید از آن پرهیز شود. بهترین راه یادگیری گوش‌دادن، تمرین گوش‌دادن و بهترین راه یادگیری صحبت‌کردن، تمرین صحبت‌کردن است. قواعد دستوری به‌طور صحیح به فرمول در نمی‌آیند و یا حداقل به‌طور صریح آموزش داده نمی‌شوند، بلکه زبان‌آموز اطلاعات مربوط به ساخت‌های دستوری را به‌طور استقرایی و از راه تمرین گفته‌های کامل و معنادار کسب می‌نماید. (تئووان السن و همکاران، ۱۳۶۲: ۲۹۶-۲۹۸).

علت نام‌گذاری روش مستقیم به این نام این است که در این روش، آموزش زبان بیگانه مستقیماً و بدون کمک‌گرفتن از زبان مادری شاگردان انجام می‌شود؛ در حالی که روش دستور و ترجمه به روش غیرمستقیم معروف بود، زیرا در آن، زبان خارجی با ترجمه از زبان دوم به زبان اول و برعکس و همچنین، به وسیلهٔ قواعد و دستور صورت می‌گیرد. (دنی ژیرار، ترجمهٔ گیتی دیهیم، ۱۳۶۵: ۲۶).

فرانسوا گوان روش مستقیم را روش طبیعی نیز می‌نامد. هرچند در این روش (روش مستقیم یا طبیعی) بر پرهیز از زبان اول تأکید می‌شود، اما بررسی‌های دقیق نشان می‌دهد که هیچ‌یک از طراحان انواع روش‌های مستقیم، به‌طورکامل از به‌کارگیری زبان اول پرهیز

نکرده‌اند؛ حتی گوان که می‌گوید زبان اول همچنان به‌عنوان میانجی عمل می‌کند، در شیوه آموزشی‌اش مطالب جدید در قالب زبان اول مطرح می‌شود. تنها کسی که در قرن نوزدهم از ابتدای کار با موفقیت کامل روش مستقیم خالص را به‌کار گرفت، برلیتس آلمانی بود که توانست از همان درس اول، از زبان دوم استفاده کند و با اعمال گفت‌وگوهایی در قالب پرسش و پاسخ میان معلم و زبان آموز، به تدریج مهارت‌های زبان دوم را در آن‌ها رشد دهد (تئوران و همکاران، با اقتباس و دخل و تصرف، ۱۳۶۲: ۲۹۸).

پیش از این گفتیم که در روش مستقیم، تأکید محکمی بر مهارت‌های شفاهی (صحبت کردن و گوش دادن) وجود دارد، اما این سخن به معنای غفلت از مهارت‌های نوشتاری نیست، بلکه مبتکران این روش با مشاهده بی‌توجهی به مهارت‌های شفاهی از سوی طرفداران روش غیرمستقیم (روش قواعد و ترجمه) خواستند توجه همگان را به اهمیت مهارت‌های شفاهی جلب کنند. زبان‌شناسانی چون ویتز، سویت و یسپرسن در مورد مهارت نوشتن این سؤال را مطرح می‌کردند که چه نوع نوشتاری را باید تدریس کرد؟ آنچه برای آن‌ها مهم بود این بود که در قدم اول نباید از نوشتارهای ادبی، آن‌هم به‌طور گسترده، استفاده کرد. نتیجه تقاضا برای زبان زنده این است که تأکید بسیاری بر آموزش تلفظ می‌شود و در نتیجه آواشناسی جایگاه مهمی می‌یابد. آواشناسان بزرگ به پیشرفت آموزش زبان‌های خارجی کمک کرده‌اند.

هنری سویت، از زبان‌شناسان اوایل قرن بیستم، علاوه بر مقدم‌داشتن آواشناسی، مکرراً بر این حقیقت تأکید می‌کند که هر زبانی دارای ساخت مخصوص خود است. (دنی ژیرار و تئوران و همکاران، با دخل، تصرف و اقتباس، ۱۳۶۲: ۲۹۹).

بر اساس روش مستقیم، بهترین روش معادل‌سازی، در همان زبان (زبان دوم) و با کمک عکس و تصویر است. به اعتقاد نظریه‌پردازان، در این روش بهتر است معلم یک زبان بیگانه، اهل همان کشور باشد. این روش برخلاف روش دستور و ترجمه، از جزء به کل است و با ارائه مثال و برداشت دانش‌آموز انجام می‌شود. با توجه به مطالب گفته‌شده، می‌توانیم ویژگی‌های کلی روش مستقیم در آموزش زبان دوم را این‌گونه خلاصه کنیم:

۱- واکنش در مقابل روش دستور و ترجمه؛

۲- اهتمام بیشتر به مهارت‌های شفاهی؛

- ۳- ممنوعیت استفاده معلمان و زبان‌آموزان از زبان اول؛
- ۴- تعلیم قواعد و گرامر زبان به روش استقرایی (نه روش قیاسی)، به‌طور غیرصریح و غیرکامل؛
- ۵- آموزش زبان به روش طبیعی و بدون کمک‌گرفتن از زبان مادری؛
- ۶- توجه و اهتمام ویژه به تلفظ و آواشناسی؛
- ۷- استفاده از عکس و تصویر و معادل‌سازی در زبان دوم؛
- ۸- تأکید بر بومی بودن معلم زبان دوم؛
- ۹- مدنظر قراردادن متون ادبی در درجه دوم اهمیت.

همان‌گونه که پیش از این بیان کردیم روش مستقیم، حدود سال ۱۹۰۰ با اشکال مختلف خود در آموزش زبان‌های خارجی به‌طور استثنائی مؤثر بوده است. در برخی از کشورها مانند فرانسه، این روش در مقطعی از زمان به‌عنوان روش رسمی آموزش زبان مورد استفاده قرار می‌گرفت. این روش در دهه‌های نخست قرن بیست، با رکود و افول مواجه شد اما بار دیگر در سال ۱۹۵۰ دوباره مورد توجه قرار گرفت. علاوه بر دو روش یادشده، روش‌های دیگری مانند روش گوشه‌گوشی - زبانی، روش گوشه‌گوشی - دیداری، نظریه اسکینر، نظریه نوم چامسکی، نظریه استفان کراش، روش ارتباطی و غیره وجود دارد که نه مقاله مجال پرداختن به آن‌ها را دارد و نه ما قصد آن را؛ لذا از میان روش‌ها و نظریه‌های گوناگون، به شرح و توضیح روش دستور و ترجمه، که مقدمه ظهور روش‌های بعدی، به‌ویژه روش مستقیم، بود پرداختیم. حال پس از بیان این مقدمات، به بررسی و نقد روش دکتر خراسانی براساس مبانی علمی ذکرشده می‌پردازیم. ابتدا نگاهی کوتاه بر زندگی علمی ایشان می‌اندازیم.

۵. نگاهی مختصر به زندگی‌نامه علمی دکتر حسین خراسانی

حسین واعظ خراسانی در سال ۱۳۰۰ ه.ش، در یکی از خانواده‌های اصیل و مشهور شهر مقدس مشهد به دنیا آمد. پدرش حاج شیخ مهدی واعظ خراسانی، از خطیبان و شخصیت‌های روحانی مکتب تشیع در مشهد بود.

حسین خراسانی در شش‌سالگی به مکتب‌خانه رفت و به دلیل تیزهوشی و حافظه قوی، قرآن کریم را در مدت اندکی حفظ کرد. در همان مکتب‌خانه به فراگیری کتاب‌هایی مانند

عقاید الشیعه، نصاب الصبیان و دیوان حافظ پرداخت. وی با سپری کردن دروس مقدماتی، سطح و خارج حوزه و فراگیری زبان انگلیسی نزد «هاراپیت کاراپت» (مؤسس کلاس انگلیسی در مشهد)، در سن ۲۱ سالگی برای تکمیل دروس فقه، اصول و فلسفه و رسیدن به درجه اجتهاد، عازم نجف شد و در نزد بزرگان حوزه نجف، به تکمیل دروس خود پرداخت. نکته مهم در زندگی علمی ایشان این است که موفق شد در کنار دروس عالی حوزوی، یک دوره کامل متون نظم و نثر عربی را با اسلوب جدید، نزد یکی از دبیران معروف دبیرستان‌های نجف، به نام سید یوسف حلو روحانی، فراگیرد و نزد عبدالحلیم کاشف الغطاء، به یادگیری فرهنگ و ادب انگلیسی در سطح عالی بپردازد. شرکت او در محافل ادبی عراق و نشست و برخاست او با خطیبان و ادیبان به تقویت زبان عربی فصیح وی کمک شایانی کرده بود. به دلیل فوت پدرش در سال ۱۳۳۰، مجبور به اقامت دائم در تهران شد. از فعالیت‌های او در تهران می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

تدریس در مدرسه مروی، امام جماعت مسجد محله پامنار، آشنایی و همکاری با استاد بدیع‌الزمان فروزان‌فر (رئیس وقت دانشکده معقول و منقول)، دریافت لیسانس حقوق در سال ۱۳۳۴، گرفتن دکترای فلسفه اسلامی در سال ۱۳۳۷، گرفتن مدرک لیسانس علوم تربیتی، تدریس در دانشگاه تهران و استخدام رسمی در سال ۱۳۳۵، تدریس زبان‌های خارجی (انگلیسی و عربی) به شیوه نوین در سال ۱۳۳۵، اعزام به کنگره اسلامی در مصر به عنوان نماینده علمی-فلسفی ایران در سال ۱۳۳۴، سفر تحقیقاتی به لندن، پاریس، آمستردام، بروکسل، برن، وین، رم، آتن، برلن و بن در سال ۱۳۳۸، تدریس متون ادب فارسی به دانشجویان خارجی، به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی و فاصله گرفتن از دانشگاه و روی آوردن به تحقیق و تألیف به علت اختلاف با رئیس وقت دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۵.

سرانجام دکتر حسین خراسانی پس از یک عمر تلاش شکوهمند علمی و تحقیقاتی در ۲۲ خرداد سال ۱۳۷۲ در کنار انبوه آثار چاپ شده و چاپ نشده‌اش، به دیار باقی شتافت. (مسود خراسانی: ۲-۸).

دکتر حسین خراسانی از آن دست مؤلفان پرکار و پرنویسی است که ده‌ها جلد کتاب، در زمینه‌های گوناگون، به زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی نوشته است که ذکر آن‌ها در این مختصر نه می‌گنجد و نه می‌زیبد، کتاب‌های وی در عرصه‌های گوناگون مانند فلسفی، فقهی،

روان‌شناسی تربیتی، اقتصادی، حقوقی، دینی و مذهبی و تفسیری، عرصه نوجوانان و جوانان، فکاهه، زندگی چهارده معصوم و ادبیات و آموزش زبان نوشته شده است.

آنچه از میان انبوه آثار ایشان، شایسته توضیح است، کتاب ۳ جلدی با نام *روش مستقیم زبان عربی* است که در سال ۱۳۳۸ در دانشگاه تهران چاپ شد. بعدها همین کتاب‌ها در انتشارات بعثت در سال ۱۳۵۶، با نام *روش نوین در آموزش زبان و فرهنگ عرب* چاپ شد که البته، جلد سوم این مجموعه هنوز چاپ نشده است^(۱).

از میان این آثار، به بررسی و نقد مجموعه سه جلدی *روش مستقیم در آموزش زبان و ادبیات عرب* که در چاپ بعدی به «روش نوین» تغییر نام یافت، خواهیم پرداخت. در این بررسی، ابتدا به بیان ویژگی‌های کلی این روش و سپس به بیان ویژگی‌های جزئی آن خواهیم پرداخت.

۶. ویژگی‌های کلی روش مستقیم دکتر حسین خراسانی در آموزش

زبان عربی

دکتر حسین خراسانی، روش خود در آموزش زبان عربی را «روش مستقیم» (Direct Method) نامیده، مدعی است این روش پیشرفته‌ترین روش موجود در زمان خود است. او می‌گوید ما این روش نوین را پس از آزمایش‌های زیاد در روش‌های گوناگون زبان‌های بیگانه برای دانش‌پژوهان برگزیده، چندین سال بر همین اساس عملی، در دانشگاه تدریس کرده ایم (خراسانی، حسین. روش مستقیم زبان و ادبیات عرب. ج ۱: ۴).

مؤلف می‌گوید: «هنگامی که به بزرگ‌ترین سازمان ملی ایران (دانشگاه تهران) راه یافتم، گمان می‌کردم فلسفه، حقوق اسلامی یا زبان انگلیسی تدریس کنم، اما آموزش زبان عربی را گمان نمی‌بردم، اما به دلیل این‌که سالیان دراز در کشورهای عربی، به‌ویژه در نجف اشرف دوره عالی تحصیل اجتهاد را گذرانده بودم، تدریس زبان عربی به‌عهدۀ اینجانب گذاشته شد.» (همو، آموزش زبان و فرهنگ عرب با روش نوین، ج ۲، پیشگفتار).

یکی از نکات دلپذیر در روش نوین دکتر حسین خراسانی، توجه و اهتمام او به این نکته زبان‌شناسی مهم در آموزش زبان عربی است که هر زبان دارای ترکیبات، رموز و مشکلات به‌ویژه‌ای است که خود اهل زبان، همه آن ترکیبات و رموز را به بهترین وجه و بدون هیچ مشکلی در محاورات خود به‌کار می‌برند.

از این رهگذر این مشکلات و رموز زبانی برای هر قوم و ملتّی به شیوه‌های مختلف خودنمایی می‌کند؛ مثلاً رموز، مشکلات، ترکیبات و اصطلاحات زبان انگلیسی، برای یک نفر ایرانی و یک نفر فرانسوی و یک عرب از هر جهت فرق دارد، باید استاد زبان، این مشکلات را با در نظر گرفتن زبان مادری هریک، مورد بحث قرار دهد و آن‌ها را حل کند (همو، ج ۱: ۵).

بنابراین، دکتر حسین خراسانی، اعتقاد داشت، محصلان و دانشجویان ایرانی که می‌خواهند در کشور خود زبان بیگانه را بیاموزند، باید فقط نزد ایرانی مسلّط و ماهر در آن زبان خارجی، زبان‌آموزی کنند تا بتوانند بر آن ترکیبات، اصطلاحات، رموز و مشکلات کاملاً واقف و آگاه باشند.

در همین راستا، یکی از امور بسیار مهم در امر آموزش زبان خارجی از جمله زبان عربی، توجه به زبان و فرهنگ بومی متعلّم است که این امر نیز بسیار مورد توجه دکتر خراسانی بوده است. او در این زمینه می‌گوید: «ما برخلاف همه کتاب‌های عربی، توجه شایسته‌ای به زبان و فرهنگمان کرده، فرازهایی از ادب، پیکارهای ورزشی، داستان‌های ایرانی، قرآنی و شرقی را برای واژه‌آموزی و گفت‌وگو، طرح نموده‌ایم؛ به عنوان مثال به جای قطعه‌های متداول عربی و شرح شاعران عرب مانند متنبی و معری، از فرهنگ پرمایه فارسی کمک گرفته، به ترجمه شعر شاعران ایرانی مانند فردوسی، حافظ، سعدی، مولوی و پروین اعتصامی گرائیده‌ایم. برای این‌که دانشجو با مطلب آشنا باشد، فقط به او واژه‌ای می‌دهیم و با او به گفتگو می‌پردازیم» (همو، ج ۲، پیشگفتار).

در توجه او به زبان، فرهنگ و ادب فارسی در امر آموزش زبان عربی، کافی است به نخستین صفحات جلد اول نگاه کنیم تا ببینیم چه نیکو ابیات ماندگار سعدی شیرازی در ستایش پروردگار را به عربی ترجمه کرده است، که بیت اول آن اینگونه است:

به نام خداوند جان آفرین
 حکیم سخن در زبان آفرین
 (سعدی شیرازی، به اهتمام فروغی: ۲۰۱).

باسم الاله الباری الارواح الحکیم الخالق الکلام فی الافواه

همچنین در آغاز جلد دوم، ابیات شاهکار فردوسی در ستایش پروردگار را به همراه ترجمه منظوم آن‌ها، آورده است که بیت اول آن اینگونه است:

به نام خداوند جان و خرد
 کزین برتر اندیشه برنگذرد

(فردوسی، تصحیح و توضیح اسلامی ندوشن: ۴۳).

مؤلف در مقدمه جلد اول، در بیان ویژگی‌های این کتاب می‌گوید:

«این متد، پس از مطالعات و آزمایش‌های زیادی در پیرامون تعلیم و آموزش زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی، با این اسلوب جالب نوشته شده، در دسترس همگان قرار داده می‌شود.»

«اساس تدریس بر روی مکالمات طبیعی و گفت‌وگوهای عادی و روزانه که با زندگی فردی و اجتماعی مرتبط است، گذارده شده است، نه فقط بر خواندن و نوشتن.» (خراسانی، حسین. ج ۱: ۹۳)

با تأمل در جملات بالا، به این نتیجه می‌رسیم که مؤلف به همه مهارت‌های چهارگانه در آموزش زبان عربی توجه داشته است که تفصیل آن در صفحات بعدی خواهد آمد. اهتمام بیشتر او به روش سمعی نکته قابل توجهی است؛ او تصریح می‌کند: «برای تقویت زبان باید در درجه اول از روش سمعی به وسیله صفحه و یا نوار ضبط صوت استفاده کرد؛ چراکه با این وسیله زودتر می‌توان با اهل زبان گفت‌وگو کرد و یا از رادیو، سینما و تئاتر به خوبی استفاده کرد و در درجه دوم باید دانشجویان از روش توصیفی، یعنی روش بصری استفاده نمایند؛ یعنی بتوانند یک منظره‌ای را توصیف کنند. برای این منظور تابلوهای بزرگ رنگی تهیه می‌شود که می‌تواند در آموزش زبان عربی در کنار روش سمعی بسیار موثر واقع شود (همو، ج ۱: ۹۳).

مؤلف روش خود را بی‌نظیر می‌خواند و می‌گوید: «بدیهی است که این یک روش بی‌سابقه برای آموزش زبان و ادبیات عرب است که می‌تواند زحمات و مساعی دانشجویان فارسی‌زبان را، در مدت کوتاهی به نتیجه برساند و نیازمندی‌های آن‌ها را درباره زبان عربی برطرف سازد.»

توصیه مؤلف درباره استفاده بهینه از این کتاب، این است که:

«با خواندن یک دوره کامل این متد و به‌کار بستن تمرین‌های آن، هرکس می‌تواند از مزایای زبان عربی بهره‌مند گشته، از مجلات، روزنامه‌ها و کتب عصری و بالاخره از رادیو و فیلم‌های عربی به خوبی استفاده کند.» (همان).

او در جلد اول، نام کتاب خود را *روش مستقیم زبان و ادبیات عرب* نامیده و در جلد دوم،

آموزش زبان و فرهنگ عرب با روش نوین، نام نهاده است. به هر حال، روش مستقیم در آموزش زبان‌های خارجه در آن زمان که معروف به «Direct Method» بود، روشی نوین و پیشرفته بود و مؤلف مرحوم با توجه به این مسئله، می‌گوید: «ما آزموده‌ایم با «روش نوین»، شخص می‌تواند زبان عربی را بیاموزد، از رادیوهای عربی، مجله‌ها و روزنامه‌های عربی و فرهنگ عرب برخوردار شده و در ترجمه و سخنوری ماهر گردد.» (همو، ج ۲، پیشگفتار).

اما در جلد اول این‌گونه می‌گوید: «ما خود آزمایش کرده‌ایم با این «روش مستقیم»، می‌توان در ۶۰ جلسه به‌طور متوسط در جلسات خصوصی، طوری زبان عربی را آموخت، که شخص بتواند احتیاجات اولیه خود را در این زبان برطرف سازد.» (همو، ج ۱: ۲۴).

نکته بسیار مهم در سخن فوق، اهتمام مؤلف به تعداد جلسات لازم برای آموزش زبان عربی است که نشان می‌دهد مؤلف در تهیه و تدوین و تدریس کتاب به روش‌های آموزشی و فنون تدریس و طرح درس توجه داشته است؛ امری که به ندرت در آموزش زبان عربی به‌ویژه در ۵۰ سال گذشته، مورد توجه قرار می‌گرفت.

یکی دیگر از ویژگی‌های این کتاب که نشانه علمی بودن و روش‌مندی آن در امر آموزش زبان عربی در آن زمان بوده است، وجود «کلید حل تمرینات» است که به‌گفته خود مؤلف، به‌عنوان خودآموز، مددگر تمام دانشجویان و پژوهندگان می‌باشد؛ به‌ویژه کسانی که در شهرستان‌ها و در مرزهای ایران هستند و کمتر به استاد زبان‌دان دسترسی دارند، این، کلید حل تمرینات که کمک می‌کند تا فراگیران زبان عربی با تصحیح تکلیف‌ها، تمرین‌ها و پرسش و پاسخ‌ها، زبان‌آموزی خود را به کمال مطلوب برسانند و در نتیجه با زبان و فرهنگ تازی، با شیوه‌ای نو و در سطح عالی دانشگاهی آشنا شوند و به زبان‌دانی شایسته، گفتگوپردازی لایق، مترجمی دقیق و سخنوری ماهر تبدیل شوند.

۷. شیوه آموزش مهارت‌های گوناگون زبان عربی در روش مستقیم

دکتر خراسانی

۷-۱. آموزش مکالمه

دکتر خراسانی معتقد است اگر زبان بیگانه را با این هدف می‌خوانیم که مقاصد خود را به

اهل زبان بفهمانیم و با آنها تفاهم داشته باشیم، پس باید برای آموزش آن، زبان مکالمه و گفت‌وگوهای روزمره را در اولویت قرار دهیم؛ زیرا در زمان ما اغلب غافلند که مکالمه و گفت‌وگوهای روزمره نقش بسیار مهمی در فراگرفتن زبان بیگانه دارد، بنابراین باید تمام لغت‌ها، ترکیب‌ها و اصطلاحاتی را که در ضمن دروس به دانشجویان ارائه شده است، از طریق مکالمه‌های طبیعی و گفت‌وشنودهای روزمره و عادی در مغز آنان متمرکز ساخت و از این راه آنان را بر اسرار و رموز زبان موردنظر و نیز قواعد و دستورهای لازم آگاه نمود.

وی تأکید می‌کند که در انتخاب سؤال‌ها و پاسخ‌های لازم و مفید، باید نهایت دقت و کوشش را به‌کار برد تا در مدت کوتاهی تلاش‌های استاد و زبان آموز به نتیجه مطلوب برسد. استاد در هر جلسه، فهرستی از لغت‌های متناسب را روی تخته می‌نویسد، سپس با قراردادن آن‌ها در قالب جملات پرسشی، دانشجویان را مجبور می‌کند، با استفاده از آن لغات، پاسخ صحیح را بیابند.

مکالمه‌ها باید از ساده‌ترین جمله‌ها شروع شود.

به این ترتیب استاد تمام لغت‌های موردنظر را در گفت‌وگو قرار می‌دهد و از راه مکالمه در ذهن آن‌ها متمرکز می‌سازد (همان: ۶).

دکتر خراسانی این روش را در سراسر جلد اول، دوم و سوم پیاده کرده است.

۲-۷. آموزش مهارت نوشتن

دکتر خراسانی قبل از پرداختن به روش خود در تعلیم نگارش عربی، به بررسی وضعیت غلط آموزش انشاء و نوشتن در دبیرستان‌ها و مراکز آموزش زبان در زمان خود پرداخته و می‌گوید: هنوز در دبیرستان‌ها و مؤسسه‌های زبان، با استفاده از روش کهنه، زبان‌آموزان را مجبور به حفظ جمله‌ها، عبارتها و قطعه‌های ادبی می‌کنند و سپس بدون اینکه طرز جمله‌بندی و ترکیب کلمات را درست به آن‌ها آموخته باشند، موضوعات مشکلی را به عنوان انشاء به آنان می‌دهند و بدین وسیله چند سال آن‌ها را سرگرم می‌کنند؛ بدون اینکه نتیجه مطلوبی به دست بیاورند (همو، ج ۱: ۱۱، با کمی دخل و تصرف).

روش تعلیم روی نگارش خود این‌گونه شرح می‌دهد: «روش که ما در این کتاب در تقویت انشاء به‌کار برده‌ایم، آن است که در مرحله اول سعی شده با تمرین‌های ساده و با نشان‌دادن

تابلوهای رنگی، حس مشاهده و ملاحظه دانشجویان، تقویت گشته، مطالب به عبارتهای گوناگون و متنوعی جلوه داده شود.

به عقیده ما برای انشاء باید در مراحل اول از سادهترین موضوعها از قبیل از خواب برخاستن، صبحانه خوردن، لباس پوشیدن، در باغ ملی قدم زدن، با دوستی در خیابان دیدار کردن و به سخنرانی رفتن استفاده کرد، نه از موضوعاتی مانند قلم بهتر است یا شمشیر؟ روز بهتر است یا شب؟ و مانند اینها.

بنابراین نوشتن و انشاء را باید هنگامی از زبان آموزان بخواهیم که طرز جمله بندی را براساس قواعد صحیح، آموخته باشند و بتوانند افعال، حروف اضافه، قیود زمانی و مکانی را به خوبی و در جای صحیح خود به کار برند و نیز قوه مشاهده و ملاحظه آنان قوی گشته، بتوانند موضوعهای گوناگون و حوادث روزمره زندگی را توصیف کنند.

در ضمن برای تقویت قوه انشاء و مهارت نوشتن، در آخر هر درسی یک مکالمه روزمره گذارده ایم تا زبان آموزان بتوانند درباره موضوعات گوناگون، علاوه بر صحبت کردن، مطالب را به زبان عربی انشاء نمایند (همان: ۱۲).

بنابراین اگر زبان آموز همه این مراحل را بپیماید باشد، آن موقع توانایی نوشتن و قلم پردازی را خواهد داشت.

یکی از مهارتهای جانبی مرتبط با نوشتن و انشاء، مهارت نامه نگاری است که در کتابهای دکتر خراسانی، هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ عملی مورد توجه قرار گرفته است، وی ضمن آسیب شناسی نامه نگاری به زبان عربی برای زبان آموزان و بیان تفاوت نامه نگاری امروز با نامه نگاری قدیم، به انواع نامه نگاریها اشاره می کند، مراحل نوشتن یک نامه را به طور منظم توضیح می دهد و در پایان، چند نمونه نامه را به همراه ترجمه فارسی آنها می آورد (همو، ج ۱: ۹۰ و ۹۱).

در جلد دوم دستورهایی گوناگون برای انواع نامهها را با مطرح کردن چهار سؤال و با آوردن چند نمونه اینگونه بیان می کند: «چطور نامه را باید آغاز کرد؟ چه عناوین و القابی برای نامهها باید به کار برد؟ اصل متن نامه را باید چگونه آغاز کرد؟ و در نهایت، چگونه پس از بیان مقصود اصلی، نامه را به پایان برد؟» (همو، ج ۲: ۴۴ و ۴۵).

دکتر خراسانی در مهارت نوشتن، پا را فراتر گذاشته و مقصد عالی تری را دنبال می کند و آن آموزش علمی و عملی مقاله به زبان عربی برای شرکت در مجالس و محافل سخنرانی

است که جزئیات آن از جلد دوم به بعد دیده می‌شود (همان: ۳۱).
بی‌شک، زبان‌آموز با به‌کار بستن دستورالعمل‌های نامه‌نگاری، انشاء‌نویسی و مقاله‌نویسی که با دقت و روش خاصی البته متناسب با آن زمان، بیان‌شده، به‌راحتی توانایی نوشتن انواع نامه‌ها، انشاهای و مقالات را پیدا خواهد کرد.
این در حالی است که توجه به نامه‌نگاری در گروه‌های عربی کشور، از حدود ۱۰ سال پیش آغاز شده و در زمان مؤلف، اصلاً مورد توجه قرار نمی‌گرفت، اما وی به اهمیت و ضرورت آن پی برده بود.

۷-۳. آموزش مهارت خواندن

در روش مستقیم دکتر خراسانی، در پایان هر درس یک موضوع توصیفی به عنوان قرائت آورده شده است که تمام جملات و عبارات آن در دروس گذشته حل شده است، البته این متون از ساده به مشکل و در قالب موضوعات مختلف فرهنگی، اجتماعی، ادبی، تاریخی و غیره می‌باشد که دانشجو پس از فهمیدن کلمات و جملات اقدام به ترجمه آن‌ها می‌کند. چون در روش یادشده، آموزش مهارت خواندن به مهارت ترجمه خیلی مرتبط است، ویژگی‌های آموزش ترجمه را بیان می‌کنیم.

۷-۴. آموزش مهارت و فن ترجمه

همان‌گونه که پیش از این گفتیم، روش دستور و ترجمه، اولین تئوری آموزش زبان از قرن ۱۸ به بعد است که روش مستقیم نیز به‌عنوان واکنش و اعتراض به آن پدید آمده است.
دکتر خراسانی در اعتراض به نارسایی‌های روش ترجمه می‌گوید: «آموزش زبان براساس روش ترجمه، همان اندازه بی‌فایده و غلط است که آموزش زبان با روش گرامری و بهتر از هر کس ما ایرانی‌ها می‌توانیم درباره آن قضاوت کنیم، زیرا سالیان متمادی است که زبان عربی و همچنین زبان‌های دیگر با این دو روش غلط در کشور ما تدریس می‌شود و هرگز نتوانسته‌ایم نتیجه مطلوب بگیریم.
در روش مستقیم ترجمه نباید اساس آموزش قرار گیرد، بلکه روش ترجمه را باید براساس صحیح و در ضمن برنامه‌های گوناگون و در کنار مهارت‌های دیگر تدریس نمود.» (همو، ج ۱: ۵۱).

دکتر خراسانی ضمن برشمردن انواع روش‌های ترجمه، روش علمی و تطبیقی را برای آموزش زبان عربی مناسب دانسته، اعتقاد دارد که در ترجمه باید اسلوب همان زبان (زبان مورد ترجمه) رعایت گردد؛ یعنی پس از فهم و هضم معنای جمله، همان معنا را بدون کم‌وزیاد در قالب زبان مورد ترجمه درآورد. راهکار عملی این روش این است که اجزای جمله موردنظر را شماره‌گذاری می‌کنیم، سپس آن شماره‌ها را در زیر جمله ترجمه‌شده قرار می‌دهیم تا معلوم شود، چه جز از جمله ترجمه نشده است. (همان: ۱۳)

آنچه در روش مزبور در امر آموزش زبان به زبان‌آموز خیلی کمک می‌کند، این است که تمام جملات ترجمه شده است، علاوه بر آن در هر درسی یک قطعه ادبی از فارسی به عربی و یک قطعه ادبی از زبان عربی به فارسی ترجمه شده است. البته مؤلف پا را فراتر گذاشته، علاوه بر تعلیم علمی و عملی انواع متون نثری ادبی و غیرادبی، به آموزش ترجمه اشعار به نثر و حتی ترجمه شعر به شعر نیز پرداخته است که برای جلوگیری از طولانی‌شدن سخن از ذکر آن خود داری می‌کنیم (همو، ج ۱: ۲۳۷ و ۲۵۰).

طبیعی است که تمرین زیاد و پیروی‌کردن از این روش، قدرت عجیبی به دانشجویان می‌بخشد و آنان را در ترجمه انواع متون توانمند می‌سازد.

۷-۵. آموزش گرامر زبان

آموزش گرامر برای غیراهل زبان اهمیت فراوانی دارد؛ بنابراین باید در طرز و شیوه آموختن آن، سعی و دقت زیادی صورت گیرد و باید توجه داشت کتاب‌هایی که اهل زبان برای خودشان نوشته‌اند، مبنای آموزش برای غیراهل زبان قرار نگیرد و نکته سوم اینکه در آموزش زبان و مهارت‌های زبانی، آموزش قواعد باید به‌طور ضمنی (غیرصریح)، غیرکامل و در جهت کمک به آموزش خود زبان و مهارت‌های آن باشد، نه اینکه آموزش قواعد، هدف باشد.

دکتر خراسانی در کتاب‌های خود این اصل زبان‌شناسی در آموزش زبان را کاملاً مورد توجه قرار داده است و ضمن حمله به کسانی که آموزش زبان را با آموزش قواعد یکسان پنداشته‌اند، می‌گوید: «اینگونه اشخاص، کم‌ترین توجهی به این اصل زبان‌شناسی نداشته و کاملاً از آن غافل بوده‌اند؛ زیرا هرکس که می‌خواهد برای مثال زبان عربی را به یک ایرانی آموزش دهد، لااقل خود باید دو زبان بیگانه آموخته باشد و رموز و اسرار آن را با زبان

فارسی مقایسه کرده و راه‌حل مشکلات آموزشی آن‌ها را به دست آورده باشد». (همو، متد عربی آسان ویژه آموزش زبان عربی برای فارسی‌زبانان: ۳-۵)

مؤلف، در توصیف روش آموزش معتقد است که «قواعد و دستورات گرامری زبان عربی در خلال دروس، پس از ارائه چند لغت و پس از آموزش تلفظ صحیح آن‌ها و به کار بردن آن لغات در قالب جملات کوتاه و جذاب و پرداختن به مکالمه و گفت‌وگو با زبان‌آموز پیرامون آن‌ها، آموزش داده می‌شود؛ بنابراین آموزش قواعد، نه به طور کامل و صریح، بلکه در دل درس‌ها و متناسب با آن‌ها و احياناً به طور مقایسه‌ای با قواعد زبان فارسی و زبان انگلیسی انجام می‌گیرد» (همان، با دخل و تصرف).

اینک نمونه‌هایی از گرامر تطبیقی در روش مستقیم دکتر حسین خراسانی را ذکر می‌کنیم که سنت‌شکنی در آموزش قواعد در آن زمان به شمار می‌رود:

- مقایسه تلفظ صحیح بعضی از حروف ویژه زبان عربی با انگلیسی مانند: حرف ذ با حرف the در انگلیسی و حرف ک با حرف k. (همو، ج ۱: ۱ و ۲):

- مقایسه حرف تعریف ال در عربی با حرف تعریف the در زبان انگلیسی (همو، همان: ۴):

- مقایسه ادوات استفهام در عربی با انگلیسی، مانند ماذا با (what، این با where) و بقیه حروف (همو، همان: ۸۹):

مقایسه حروف جر (حروف اضافه) مذ و منذ با حرف اضافه since در زبان انگلیسی. (همو، ج ۲: ۶):

مقایسه افعال التفضیل عربی با معادل‌های آن در زبان فارسی و زبان انگلیسی (همان: ۲۷):

- آموزش جملات شرطی با مقایسه روش انگلیسی (همان: ۱۸۰):

- آموزش طرز جمله‌سازی در عربی و مقایسه جمله‌های عربی با فارسی (همو، ج ۱: ۷)
مؤلف علاوه بر نمونه‌های تطبیقی و مقایسه‌ای ذکر شده در آموزش صرف افعال عربی، سنت‌شکنی کرده است. وی روش کهنه را کاری بس غلط و بی‌فایده پنداشته و به آموزش صرف افعال با مقایسه با صرف فعل در زبان فارسی پرداخته است.

دکتر خراسانی در امر آموزش زبان عربی علاوه بر مهارت‌های اصلی، به مهارت‌های فرعی هم توجه و اهتمام داشته است؛ مهارت‌هایی مانند آموزش لغات به روش فرهنگ لغت‌ها، آموزش

اصطلاحات و برخی ترکیبات پرکاربرد و روزمره، آموزش لهجه مصری، رسم الخط عربی، دیکته، تکلیف‌نویسی زبان‌آموز و نحوه اصلاح تکالیف توسط معلمان و استادان، اهمیت‌دادن به تقویت قوه حافظه، از طریق تمرین‌هایی با عنوان للحفظ و الاستحظار، توجه به امثال سائره و حکمت‌های رایج در پایان برخی درس‌ها، آوردن متونی از شاهکارهای ادب فارسی، مانند فردوسی، سعدی، حافظ، مولوی و پروین اعتصامی همراه با ترجمه آن‌ها و اهتمام به بخش‌هایی از تاریخ ادبیات عربی و فرهنگ عربی و شرقی که همگی حکایت از توجه همه‌جانبه دکتر خراسانی در امر آموزش زبان عربی، به شیوه نوین، در پنجاه سال پیش دارد که متأسفانه بنا بر دلایل معلوم و غیرمعلوم، در گروه‌های زبان و ادبیات عربی قبل و بعد از انقلاب اسلامی مورد توجه قرار نگرفته است. اگر ما امروزه شاهد عدم‌توانایی نسل‌هایی از فارغ‌التحصیلان دهه‌های گذشته در مهارت‌های زبان عربی هستیم، به علت آموزش نادرست آن است که به نظر نگارنده، اگر کتاب‌های دکتر خراسانی در دهه‌های گذشته در گروه‌های عربی تدریس می‌شد، بخشی از ضعف‌های آموزش زبان عربی از بین می‌رفت. البته این سخن به معنی ستایش همه‌جانبه از کتاب‌های یادشده و روش به‌کار برده شده در آن‌ها نیست، بلکه منظور این است که مؤلف کتاب‌های یادشده، به‌عنوان طلایه‌دار آموزش زبان عربی به شیوه نوین در ایران، با توجه‌کردن به آموزش زبان‌های بیگانه از جمله زبان انگلیسی در آن زمان و به‌کار بستن شیوه مستقیم که در آن زمان شیوه‌ای کاملاً نو بوده است، کتاب‌هایی تألیف کرده است در زمان خود بدیع بوده‌اند. مطمئناً شیوه یادشده در عصر حاضر، به‌دلیل وجود تئوری‌های گوناگون زبان‌شناسی، روان‌شناسی و غیره نارسایی‌ها دارد و این یک امر طبیعی است.

۸. نتیجه‌گیری (نقد و نظر)

۱- روش مستقیم دکتر خراسانی از علم زبان‌شناسی و تئوری‌های رایج آموزش زبان‌های خارجی، تا حد زیادی بهره برده است؛ از جمله تئوری Direct Method (روش مستقیم) یا روش طبیعی، تأکید بر بومی‌بودن معلّم زبان دوم و غیره که در متن مقاله به آن‌ها اشاره شده است.

۲- در روش مستقیم دکتر خراسانی از برخی دستاوردهای روان‌شناسی استفاده شده است؛

برای مثال آنجا که مؤلف به ضرورت استفاده از تصاویر و تابلوهای رنگی در آموزش قواعد و لغات اشاره می‌کند، از حافظه چشمی در روان‌شناسی و تأثیر فوق‌العاده آن در فرایند یادگیری، یاد می‌کند.

۳- از آنجا که مؤلف مرحوم زبان و ادبیات انگلیسی و راه‌های آموزش آن را به‌خوبی می‌دانست، در آموزش زبان عربی از آن تجربه‌ها بهره برده است. این مسئله در آموزش زبان معمولی در زمان مؤلف، کاملاً بی‌سابقه بوده است.

۴- دکتر خراسانی در آموزش زبان عربی به هر چهار مهارت زبانی توجه داشت، اما مهارت‌های سمعی و شفاهی را در اولویت اول و مهارت‌های نوشتاری را اولویت دوم می‌دانست. این امر از اصول شناخته‌شده روش مستقیم در دنیا بوده است.

۵- دکتر خراسانی در آموزش زبان عربی از برخی اصول روش مستقیم، از جمله استفاده از زبان اول (فارسی) در سراسر کتاب، پیروی کامل نکرده است؛ این در حالی است که در روش مستقیم، استفاده از زبان اول یک انحراف شناخته می‌شود، هرچند استفاده نکردن از آن هم سفارش نمی‌شود.

۶- از آنجا که دکتر خراسانی در کتاب‌های خود اهدافی فراتر از آموزش اولیه مهارت‌های چهارگانه را دنبال می‌کرد، در کنار آموزش آن‌ها، به ادبیات و فرهنگ عربی، تاریخ ادبیات عربی، آموزش انواع ترجمه و غیره نیز پرداخته است که این امر گاه آموزش مهارت‌های زبانی را تحت‌الشعاع قرار داده است.

۷- دکتر خراسانی آموزش زبان براساس قواعد را کاملاً نفی می‌کند و بر آموزش غیرصریح و مبتنی بر روش استقرایی (نه قیاسی) قواعد، تأکید می‌کند.

۸- دکتر خراسانی آموزش زبان براساس ترجمه را نیز نقد می‌کند. هرچند خود او در کتاب‌هایش از ترجمه و اشکال آن در آموزش زبان عربی زیاد استفاده می‌کند، اما از آن به روش درست و به قصد کمک‌کردن به مهارت‌های چهارگانه استفاده می‌کند ولی هدف او ترجمه نیست.

۹- روش دکتر خراسانی، علمی‌تر و جامع‌تر از روش دارالعلوم العربیه است؛ همان‌طور که روش دارالعلوم نیز، نسبت به روش‌های سنتی، علمی‌تر و جامع‌تر است.

۱۰- درست است که دکتر خراسانی در آموزش زبان عربی، استفاده از فناوری آموزشی رایج

در آن زمان مانند نوار، صفحه، گوش‌دادن به رادیو و تلویزیون را مفید می‌داند، اما با گذشت زمان و با گسترش روزافزون وسایل آموزشی، به نارسایی روش یادشده پی می‌بریم و این طبیعی است.

۱۱- درست است که دکتر خراسانی به مسائل آواشناسی، توجه داشت، اما به هیچ‌وجه با برخی کتاب‌های دیگران مانند کتاب‌های دکتر آذرنوش، از حیث کمیت و کیفیت، قابل مقایسه نیست^(۷).

۱۲- بی‌شک، در فرایند آموزش زبان عربی به شیوه نوین، جایگاه دکتر خراسانی، جایگاهی ممتاز است که باید مورد توجه قرار گیرد؛ البته این به‌معنای نداشتن عیب و نقص نیست، زیرا این امر، مخالف سنت تکامل و پیشرفت است.

۹. پی‌نوشت‌ها

۱. ر.ک به محمدی: ۱-۳؛ پروینی: ۸۷-۸۸؛ الکک: ۵۷ و مجلهٔ اباحت ندوة العلاقات الادبة و اللغوية العربية و الايرانية: ۱۷۱.
۲. ر.ک به صدقی: ۲۲.
۳. ر.ک به پروینی: ۸۸.
۴. دربارهٔ جزئیات این روش ر.ک به تئووان الس وهمکاران، ۱۳۶۲: ۲۹۴ و ۲۹۵ و داگلاس براون: ۵۸.
۵. ر.ک به مشکین فام: ۱۵۹.
۶. در زمینهٔ تألیفات ایشان ر.ک به همان: ۱۰-۱۵ و حسین خراسانی، مهدی خورشید پشت ابر: ۲۶۸ به بعد.
۷. ر.ک به آذرنوش، ج ۱، صفحات مربوط به تلفظ حروف و کلمات درس‌های مختلف.

۱۰. منابع

- آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۷۱). *آموزش زبان عربی*. ج ۱. چ ۴. ایران، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- اچ، داگلاس براون. (۱۳۶۳). ترجمه دکتر مجدالدین کیوانی. چ ۴. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ال‌کک، ویکتور. *فصلیة ایران و العرب*. (۲۰۰۲ م). تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و استراتژیک خاورمیانه.
- پروینی، خلیل. (۱۳۸۳ ه.ش. ۲۰۰۵-۲۰۰۶ م). «اللغة العربیة فی ایران بین المناهج الجامعیة و التراث المخطوط». *مجلة الدراسات الادبیة*. ش ۴۸-۵۲. بیروت: الجامعة اللبنانية.
- تنوان، الس و همکاران. (۱۳۶۲). *زبان‌شناسی کاربردی (یادگیری و آموزش زبان‌های خارجی)*. ترجمه محمود الیاس. چ ۱. مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- خراسانی، حسین. (۱۳۶۵). *آموزش زبان و فرهنگ عرب به روش نوین*. ج ۲. چ ۲. تهران: انتشارات بعثت.
- ----- (۱۳۳۸). *روش مستقیم آموزش زبان و ادبیات عرب*. ج ۱. چ ۱. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ----- (۱۳۸۷). *مهدی خورشید پشت ابر*. چ ۱. تهران: نشر سلیس.
- ----- *متد عربی آسان (ویژه آموزش زبان عربی به فارسی‌زبانان)*. تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- ----- *کلید متد عربی آسان*. تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- خراسانی، مسعود. *زندگینامه و فهرست کامل آثار علامه محقق دکتر خراسانی حسین*. تهران: (بی‌نا) بی‌تا.
- دنی ژیرار. (۱۳۶۵ ه.ش). *زبان‌شناسی کاربردی و علم آموزش زبان*. ترجمه گیتی دیهیم. چ ۱. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سعدی، شیرازی. (۱۳۷۲). *کلیات* (به اهتمام محمدعلی فروغی). چ ۹. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- صدقی، حامد. (۱۳۸۲ ه.ش). «تعلیم اللغة العربیة فی ایران». *مجلة العلوم الانسانیة*. س ۸.

- ش ۱۰ (۲). بهار ۸۲. دانشگاه تربیت مدرس (دانشکده علوم انسانی).
- عبدالقواب، رمضان. (۱۳۶۷). *مباحثی در فقه اللغة و زبان‌شناسی عربی*. ترجمه حمیدرضا شیخی. تهران: آستان قدس رضوی (معاونت فرهنگی).
 - مشکین فام، بتول. (سپتامبر ۲۰۰۳ م). «تعلیم اللغة العربیة فی ایران (ماضیها، واقعها و مستقبلها)، *مجلة اللغة العربیة و ثقافتها خارج الوطن العربی*. (اعمال المؤتمر العالمی التاسع للمجمع الثقافی العربی). (مجموعه مقالات همایش).
 - محمدی، محمد. *درس اللغة و الادب*. ج ۱. چ ۴. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 - مجموعه مقالات. (۱۹۹۹). «منشورات اتحاد الکتاب العرب، اباحت ندوة العلاقات الادبیة و اللغویة العربیة الایرانیة» (تاریخها، واقعها و آفاقها). دمشق. (مجموعه مقالات همایش).
 - نجفی اسداللهی، سعید. *الطریقة الجديدة من دروس دارالعلوم العربیة*. ج ۱. چ ۱۳. تهران: چاپخانه مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه.
 - فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۰). *نامه نامور گزیده شاهنامه*. (تصحیح و توضیح: محمدعلی اسلام ندوشن). چ ۱. تهران: سخن